

گزارش



در یکی از حساس‌ترین مقاطع سیاست خارجی کشور که مذاکرات غیرمستقیم و چندلایه میان ایران و ایالات متحده در حال پیگیری است، جریان رادیکال یا بهره‌گیری از ابزارهای مجلس، صحنه تقابل آشکار با دولت را به میدان تسویه‌حساب‌های جناحی بدل کرده است. نشانه‌های این تقابل نه‌تنها در پیگیری مستمر استیضاح و سؤال از وزرای کلیدی اقتصادی و اجتماعی بروز یافته، بلکه در هدف‌گیری مستقیم وزیر امور خارجه –به‌واسطه تغییر معاونت اقتصادی این وزارتخانه– که گزینه این جریان که از بدنه دولت گذشته هنوز در نهادهای مختلف بهره‌مند است، پس از انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم و شکست نامزد مورد حمایتشان، وارد مرحله‌ای از تخریب هدفمند و ساختاری شده است. آنان که از تسلط خود بر کمیسیون‌های راهبردی مجلس همچون کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بهره می‌برند، اکنون پروژه فشار بر دولت را با استیضاح، طرح سؤال و هجوم رسانه‌ای پی می‌گیرند. برکناری دکتر صفری، مشاور اقتصادی سابق وزارت خارجه که از چهره‌های نزدیک به ستاد انتخاباتی سعید جلیلی محسوب می‌شد، بهانه‌ای برای آغاز فاز جدیدی از حملات به وزیر امور خارجه شد؛ حملاتی که فراتر از یک نقد فنی، با هدف تضعیف رکن دیپلماسی کشور در لحظه‌ای حیاتی از گفت‌وگوهای بین‌المللی طراحی شده‌اند.

در همین راستا، علی‌اصغر نخعی‌راد، نماینده مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، از تقدیم رسمی طرح سؤال خود از وزیر امور خارجه، سیدعباس عراقچی، به هیئت‌رئیس مجلس خبر داده و اعلام کرده است که این طرح با پشتیبانی بیش از ۴۰ نماینده، اکنون در مسیر بررسی در کمیسیون تخصصی امنیت ملی و سیاست خارجی قرار دارد. به گفته وی، وزیر امور خارجه مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس، ملزم است در این کمیسیون حاضر شده و به پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ دهد. این پرسش‌ها که در چهار محور اصلی تنظیم شده‌اند، رویکردی انتقادی نسبت به عملکرد معاونت اقتصادی وزارت خارجه دارند و به‌ویژه بر سه مسئله کلیدی تمرکز یافته‌اند: نخست، ضعف در سازمان‌دهی دیپلماسی اقتصادی در شرایط تحریم و عدم ارائه برنامه روشن برای تعامل با کشورهای همسو؛ دوم، انتشار مقالاتی از سوی عراقچی در رسانه‌های بین‌المللی که از سرمایه‌گذاری بالقوه آمریکا در ایران سخن گفته‌اند و به باور طراحان سؤال، موجب برداشت‌ها اشتباه در داخل کشور شده‌اند؛ و سوم، ماجرای برکناری دکتر صفری از معاونت اقتصادی وزارت خارجه که از نظر این نمایندگان، شائبه‌های سیاسی و انتخاباتی را برمی‌انگیزد.

در محور نخست، پرسش اصلی ناظر بر این است که وزارت امور خارجه با توجه به تحریم‌های جاری، چه راهبردی برای کشف بازارهای هدف صادراتی و تأمین نیازهای حیاتی وارداتی از کشورهای همسو اتخاذ کرده و چه دستاوردی از طریق رایزنان اقتصادی در این مسیر حاصل شده است. در محور دوم، انتقادهای شدیدی متوجه مواضع رسانه‌ای عراقچی است. طراحان سؤال با استناد به دو مقاله منتشرشده از وی در نشریه واشنگتن‌پست و بنیاد کارنگی، که در آنها از ظرفیتی سرمایه‌گذاری هزار میلیارد دلاری آمریکا در اقتصاد ایران سخن رفته، این مواضع را «غیرواقع‌بینانه»، «ساده‌انگارانه» و «زمینه‌ساز توهم داخلی» دانسته‌اند. آنان تأکید دارند چنین اظهاراتی، نه‌تنها با تجربه‌های گذشته در مذاکرات بین‌المللی همخوانی ندارد، بلکه باعث شرطی‌سازی فضای اقتصادی کشور و امیدواری‌های واهی به گشایش‌های برآمده از رابطه با دشمن دیرین ایران، یعنی ایالات متحده شده است.

در محوره‌های سوم و چهارم، تمرکز اصلی بر نحوه عزل دکتر صفری و تداوم اداره معاونت اقتصادی وزارت خارجه با سرپرست قرار دارد. نمایندگان خواستار توضیح درباره دلایل برکناری سریع صفری پس از آغاز به کار عراقچی هستند و این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا حضور وی به‌عنوان مشاور اقتصادی یکی از رقبای انتخاباتی رئیس‌جمهور، عامل این تصمیم بوده است؟ همچنین، این انتقاد نیز مطرح است که با گذشت بیش از هشت ماه از این تغییر، هنوز فرد جایگزینی برای این جایگاه کلیدی معرفی نشده و این امر به معنای بی‌توجهی به اولویت‌های اقتصادی دستگاه دیپلماسی در بحرانی‌ترین شرایط کشور تعبیر می‌شود. در مجموع، پرسش‌های مطرح‌شده علیه وزیر امور خارجه، بیش از آنکه صرفا دغدغه‌های فنی یا اجرایی باشند، بازتابی از یک نزاع سیاسی و جناحی عمیق‌تر در سطح حاکمیتی هستند. این اقدامات نشان از آن دارد که جریان رادیکال، با بهره‌گیری از سازوکارهای رسمی نظامی، در پی تسویه‌حساب با تیم سیاسی پیروز در انتخابات است و با هدف‌گیری مستقیم رأس دستگاه دیپلماسی، تلاش دارد هم‌زمان مدیریت سیاست خارجی کشور را تضعیف و زمینه بازگشت نیروهای همسو با خود را فراهم کند. این در حالی است که تقلیل کارکرد وزارت خارجه به ابزاری صرفا اقتصادی و نادیده‌گرفتن پیچیدگی‌های راهبردی آن، می‌تواند هزینه‌هایی جدی برای منافع ملی در سطح بین‌المللی به دنبال داشته باشد. هجوم علیه عراقچی در حالی صورت می‌گیرد که فضای جهانی و منطقه‌ای پیرامون ایران به‌شدت شکننده و کنش‌های دیپلماتیک بیش از هر زمان دیگر نیازمند انسجام درونی و عقلانیت راهبردی است.

از همین‌رو می‌توان رفتار تندروها را تلاشی در جهت اخلال در نظم اجرایی، بی‌ثبات‌سازی تیم دیپلماسی و القای ضعف راهبری دولت در عرصه سیاست رادیکال، در حالی است که با استمرار چنین رفتارهایی در بستر سیاست داخلی، نه‌تنها به افت سرمایه اجتماعی دولت منجر می‌شود، بلکه جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز با تهدیداتی جدی مواجه خواهد کرد. در مجموع، می‌توان گفت پروژه جریان رادیکال، از استیضاح وزیر اقتصاد تا کارت زرد به وزیر کار و اکنون طرح سؤال از وزیر خارجه، حلقه‌هایی از یک زنجیره فشار سیاسی است که با هدف برهم‌زدن تعادل کاینیه و بازگرداندن چهره‌های همسو با جریان تندرو طراحی و اجرا می‌شود. استمرار این روند، بدون واکنش مؤثر نیروهای عاقل و میانه‌رو، می‌تواند به گسست در ساختار اداره کشور و اختلال در مسیر ترمیم روابط بین‌المللی بینجامد.

سیدعلی سقائیان در گفت‌وگو با «شرق» ادعاهای اردوغان را درباره کریدور زنگزور واکاوی کرد

عبدالرحمن فتح‌اللهی: اظهارات اخیر رجب طیب اردوغان در حمایت از کریدور زنگزور که در بازگشت از باکو مطرح شد، پرده از فاز جدیدی در استراتژی بلندپروازانه ترکیه برای بازاریابی ژئوپلیتیک منطقه برمی‌دارد. این کریدور مجعول و موهوم، فراتر از یک پروژه اقتصادی، ابزار کلیدی اردوغان برای گسترش نفوذ ترکیه در قفقاز جنوبی و تسری آن تا دریای خزر و پس از آن، آسیای میانه است. بنابراین گفته‌های اردوغان خطاب به تهران را می‌توان ادامه سناریوی چندوجهی رئیس‌جمهور ترکیه دانست که با مدیریت تحولات سوریه، از حمایت از دولت جدید دمشق تحت رهبری احمد الشرع (الجولانی) تا توافق با کردهای سوری (SDF) و خلع سلاح پ.ک.ک به دستور اوچالان، به دنبال تثبیت هژمونی ترکیه در منطقه‌ای فراتر از غرب آسیاست. ضمنا ناظران باور دارند که کریدور زنگزور، با کاهش وابستگی ترکیه و آذربایجان به مسیرهای ترانزیتی ایران، مانند مسیر چابهار-ارمنستان، تلاشی برای تضعیف نفوذ تهران در قفقاز و ایجاد یک کمربند ترکی-آذری است. اردوغان با این حرکت، ضمن بهره‌برداری از فضای

پس از سقوط اسد، به دنبال ایجاد ثبات در سوریه و تمرکز بر پروژه‌های منطقه‌ای مانند زنگزور است. هرچند تا لحظه نگارش این متن شاهد واکنش تهران به گفته‌های اردوغان نبوده‌ایم، اما تا به اکنون ایران با هرگونه تغییر مرزها در قفقاز مخالفت کرده است. در پیوست نکته مذکور، سعید خطیب‌زاده، معاون وزیر امور خارجه ایران، در جریان سفر به ارمنستان و طی گفت‌وگویی اختصاصی با خبرنگاری «نیوزآرمنیا» درباره هرگونه طرح انحصاری اتصالات منطقه‌ای که منجر به تغییر ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه می‌شود، هشدار داد. اما تحلیل عمیق‌تر ادعای جدید اردوغان، محور گفت‌وگویی با سیدعلی سقائیان است تا از منظر سفیر ایران در ارمنستان، برزیل و تائزنیان، سفیر آکروودینه در ملاوی، سرکنسولگری ایران در کراچی پاکستان، کاردار در آرتانین و نچریجه و مدیرکل امور تشریفات وزارت امور خارجه به ابعاد مختلف موضوع کریدور زنگزور بپردازیم.

● ● ●

✚ جناب سقائیان، اجازه دهید همین اول مصاحبه با انتقاد تندی نسبت به مصاحبه‌ها، ارزیابی‌ها و موضع‌گیری‌های پیشین شما درباره سیاست آنکارا و باکو درباره تحولات قریب‌اب و مشخصا کریدور زنگزور بحث را آغاز کنیم. چون برخلاف نگاه مشی میانه و دیپلماتیک شما، دوباره اردوغان روز پنجشنبه در جریان بازگشت از سفر به جمهوری آذربایجان، خواستار حمایت ایران از کریدور زنگزور شد. اما اگر بخواهیم از منظر متفاوتی به موضوع نگاه کنیم، آیا ما شاهد سناریوی تکمیلی در ادامه برنامه‌های اردوغان برای دولت دمشق، الجولانی، کردهای سوریه، پ.ک.ک و اکنون در مرحله جدید، کریدور زنگزور هستیم؟

خیر، اگرچه شما قدری مصاحبه را تند شروع کردید، اما من کم‌ان معتقدم که موضوع تحولات منطقه قفقاز را نباید با یک عنبک افراطی و تفریطی نگاه کرد و همچنان تأکید دارم که باید با یک نگاه دیپلماتیک و منطقی، موضوع را تحلیل کرد. لذا برخلاف آنچه گفتید، من معتقدم گفته‌های روز پنجشنبه اردوغان درباره کریدور زنگزور بیشتر یک فرافکنی است، نه یک سناریوی تکمیلی برای پروژه‌های بزرگ اردوغان در ادامه معادلات خاورمیانه.

چرا چنین برداشتی دارید؟

چون به هر حال معادلات قفقاز کاملا متفاوت از غرب

آسیاست. **✚ اما این هم‌زمانی معادلات در قفقاز وخاورمیانه چیز دیگری می‌گوید؟**

اصلا بیاییم روی سناریوی شما بحث کنیم. اکنون اردوغان چه کاری انجام داده است؟ هر آن چیزی که شما گفتید فعلا در یک وضعیت مهیم، فراقطبی و ژل‌ای قرار دارد. هیچ‌کدام از آن نکاتی که شما گفتید، هنوز به صورت کامل و صددرصدی محقق نشده است. هنوز خبری از دولت مستقر و باثبات در دمشق نیست. بله، تلاش‌های اردوغان برای تسدید حمایت از حکومت الجولانی وجود دارد؛ تلاش آنکارا آن است که در مناسبات منطقه‌ای، نقش حکومت الجولانی پررنگ شود و سعی کردند تحریم‌های اروپا و آمریکا را هم تعلیق کنند که بخشی از این اتفاق روی داده است، اما این به معنای آن نیست که در سوریه همه چیز تمام شده است. خیر، هنوز حکومت الجولانی یک دولت موقت است و خبری از انتخابات و قانون اساسی جدید نیست و از همه مهم‌تر خبری از ثبات امنیتی در سوریه نیست. اکنون اخبار و گزارشات متفاوتی وجود دارد دل بر سرکوب و کشتار اقلیت‌ها در سوریه، در ظرف دیگر شما نباید نقش صهیونیست‌ها را هم فراموش کنید. حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ کیلومتر از خاک سوریه تحت اشغال صهیونیست‌هاست و معادلات ترکیه با رژیم اشغالگر صهیونیستی در این رابطه پیچیده و بغرنج شده است. ضمنا به‌هیچ‌وجه نباید فراموش کنیم که موضوع کردهای سوریه هم هنوز به نتیجه نرسیده است. از طرف دیگر اگرچه بعد از بیانیه عبدالله اوچالان، پ.ک.ک از انحلال خود خبر داده بود، اما این به معنای پایان دادن به تمامی معادلات کردی ترکیه نیست. به هر حال اگرچه در حال حاضر پ.ک.ک سلاح را کنار گذاشته است، اما هنوز موضوعات مربوط به آن پابرجاست. چون برخی تحلیل‌گسران و ناظران این احتمال را مطرح کرده‌اند که طیفی از جریان‌های درون پ.ک.ک با خلع سلاح و کنارگذاشتن مشی نظامی مخالف دارند. به همین دلیل احتمال‌شکل‌گیری انشعاب در پ.ک.ک وجود دارد که قطعاً هم روی معادلات کردهای سوریه اثرگذار خواهد بود. از طرف دیگر حتی اگر بپذیریم مبارزات مسلحانه پ.ک.ک با کنارگذاشتن سلاح تمام شده باشد، ولی مباحث سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و بحث‌های توسعه‌ای در مناطق کردنشین ترکیه مطرح است که لاینحل مانده است. هنوز موضوع تبعیض درخصوص کردها خودنمایی می‌کند. پس نمی‌توان عنوان داشت که اکنون اردوغان توانسته همه معادلات منطقه را حل‌وفصل کرده و در پلن جدید خود به دنبال تمرکز روی معادلات قفقاز و موضوع زنگزور است. در مجموع من دوباره تکرار می‌کنم که گفته‌های اردوغان درخصوص زنگزور و اشاره مستقیم به ایران بیشتر یک فرافکنی و فرار رو به جلو باشد.

✚ فرار رو به جلو و فرافکنی از چه؟

از همین مبایختی که مطرح کردم و اینکه اردوغان هنوز



نتوانسته است به طور کامل آنها را عملیاتی کند و فرار از شرایط داخلی ترکیه، باید قدری وضعیت ترکیه را دقیق‌تر و عمیق‌تر بررسی کنیم. به هر حال موضوع چالش‌های فزاینده اقتصادی، تورم بالا و بدی‌های خارجی ترکیه هنوز وضعیت اردوغان را در جامعه سیاسی این کشور متزلزل می‌کند. به همین دلیل او به هر موضوعی برای فرافکنی و فرار رو به جلو چنگ می‌زند.

✚ چرا اردوغان مستقیماً تهران را خطاب قرار داده است؟ سعی داشته توپ را در زمین ما بیندازد؟ واقعا ایران اکنون توپ را در زمین خود می‌بیند؟

به‌هیچ‌عنوان. ما قطعاً نمی‌توانیم به دلیل گفته‌های یک فرد، حتی اردوغان درباره کریدور زنگزور با دست خودمان به تمامیت ارضی و منافع و امنیت ملی‌مان شلیک کنیم.

✚ جناب سقائیان، خدوتان دیپلمات و مدیرکل تشریفات وزارت امور خارجه بوده‌اید، می‌دانید مطرح‌شدن یک موضوع از زبان سران، متفاوت از سایر مقامات و وزرات؛ غیر از این است؟

نکته شما درست است، اما ما باید یک نگاه کلان‌تر داشته باشیم. نمی‌توانیم صرفاً روی گفته‌های اردوغان به عنوان رئیس‌جمهور ترکیه محدود شویم و این‌گونه تصور کنیم که چون او مستقیماً به کریدور زنگزور و حمایت ایران اشاره کرده، پس یک پروژه حتمی در جریان است. خیر من در یک نگاه کلان‌تر نسبت به معادلات منطقه قفقاز و حتی در همان سناریوی مطرح‌شده در سؤال اولتان درخصوص امتداد تحولات غرب آسیا به یک واکنش یا پالس معنادار نمی‌رسم که به من این تحلیل را بدهد که یک پروژه از سوی ترکیه و اردوغان برای موضوع زنگزور در دست اجراست. نه در جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان، نه در روسیه، نه در گرجستان و نه در خود ترکیه و ایران اتفاق خاصی روی نداده است که بخواهد صحنه معادلات قفقاز را عوض کند و ما را به این سمت بکشاند که اکنون معادلات جدیدی پیرامون دالان زنگزور در دستور کار است. ضمنا فراموش نکنیم در همین نشست گفت‌وگوی تهران که اواخر اردیبهشت‌ماه برگزار شد، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی ارمنستان و همچنین مشاور ارشد آقای الهام علی‌اف حضور داشتند و صحبت‌ها و بحث‌های خود را درباره معادلات قفقاز مطرح کردند.

✚ ولی هنوز توافق صلح بین باکو و ایران امضا نشده...

بله، اما به معنای آن نیست که معادلات منطقه عوض شده است. واقعا هیچ نشانه جدیدی و هیچ تحول تازه‌ای وجود ندارد که بخواد پیش‌زمینه‌گفته‌های اردوغان باشد و این پیشنهاد را به

تهران بدهد که ایران حامی کریدور زنگزور باشد.

وقتی مخاطب حرف‌های اردوغان تهران است نه ایران، چه معنی می‌دهد؟

فعلا که مناسبات ایران و ترکیه یک مناسبات حسنه، عمیق و رو به جلو بوده است و قرار بوده که اردوغان هم به ایران سفر کند که تا به اکنون این سفر انجام نشد. اما جا دارد این را هم اشاره کنم که رئیس‌جمهور ترکیه به‌جای مطرح‌کردن این دست عبارات، بهتر است در گفت‌وگوها با همتایان و مقامات ایرانی، موضوعات را حل کند و این به‌طریق از آن است که این موضوعات حساس به سطح افکار عمومی و رسانه‌ها کشیده شود. چون قطعاً موضع ایران کاملاً مشخص و قاطع است و تهران از خطوط قرمز خود پیرامون تمامیت ارضی و منافع و امنیت ملی عدول نخواهد کرد و هیچ‌گونه تحرکی پیرامون تغییر موقعیت ژئوپلیتیکی و تغییر مرزها در قفقاز را نمی‌پذیرد. این یک سیاست اعلامی رسمی از سوی مقام معظم رهبری است که فصل‌الخطاب در عرصه سیاست خارجی خواهد بود. لذا به نظر من منطقی‌تر این است که این معادلات در گفت‌وگوهای دیپلماتیک حل‌وفصل شود، نه اینکه آن را به رسانه‌ها و افکار عمومی بکشانیم.

✚ از سفر احتمالی اردوغان به ایران گفتید که هنوز تاریخ آن مشخص نیست و اصلا معلوم نیست که این سفر انجام شد یا خیر. اما قرار است که پزشکیان سفری به ارمنستان داشته باشد و این حضور در ایران به نوعی تکمله سفر هشتم اردیبهشت‌ماه رئیس‌جمهور ایران به باکو است. واقعا این هم‌زمانی گفته‌های اردوغان با سفر پیش‌روی پزشکیان به ارمنستان را می‌توان نادیده گرفت؟

هم‌زمانی را که عنوان کردید، باید از زاویه دیگر دید. بله، من ادعان دارم که آقای اردوغان یک «فرصت‌شناس» قهار است؛ اجتناب دارم از اینکه بگویم او فرصت‌طلب است. اما من هم اعتقاد دارم که اردوغان سعی کرده با این فرصت‌شناسی در ادامه سفر دکتر پزشکیان به ارمنستان، دوباره موضوع زنگزور را روی میز بگذارد.

✚ خارطم هست در گفت‌وگوی اردیبهشت‌ماه سال گذشته تأکید کردید که پرونده زنگزور برای همیشه بسته شد و این را درباره ابتکار دولت سیزدهم در مورد کریدور جایگزین مجددا مطرح کرده بودید. اما اینکه دوباره اردوغان پای ایران و کریدور زنگزور را به میان می‌کشد، به معنای آن نیست که برخلاف تطلبل شما هنوز این پرونده برای آنکارا و باکو باز است و تمام آن ابتکاراتی که در دولت سیزدهم و قراردادهایی که توسط وزارت راه بسته شد، کان لم یکن است؟

من در آن مصاحبه پیشین با شما و روزنامه «شرق» موضوع کریدور زنگزور را یک پرونده بسته‌شده برای همیشه عنوان کردم و دوباره همین را در گفت‌وگوی حاضر تکرار می‌کنم. واقعا موضوع زنگزور پرونده پیچیده و غامضی نیست...

✚ برای ما پیچیده نیست، اما گویا ترکیه و جمهوری آذربایجان قرائت دیگری دارند...

نکته همین‌جاست که اگر منظور از ایجاد کریدور زنگزور صرفاً مسئله نقل و انتقال کالا، ترانزیت و سفر افراد از جمهوری آذربایجان به نخجوان و نظایر آن باشد، هم جمهوری ارمنستان و هم جمهوری اسلامی ایران بارها عنوان کرده‌اند که مخالفتی با کریدور زنگزور ندارند. همین الان هم این کریدور درباره نقل و انتقال افراد و ترانزیت کالا فعال است. اما پیرو آن چیزی که شما گفتید، اگر آن طرح و پروژه مد نظر آذربایجان و ترکیه برای کریدور زنگزور مطرح باشد و بخواهند یک مسیر را به طور مستقل و تحت نظارت خود پیاده کنند و ایران و ارمنستان را به عنوان دو کشور هم‌مرز از هم جدا کنند، قطعاً چیزی نیست که

ایران و به‌ویژه تهران با آن موافق باشند. ما سر این مسئله با هیچ طرفی هیچ تعارفی نداریم. اصلاً تمامیت ارضی و منافع و امنیت ملی، مبحث تعارف‌برداری نیست. ما در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته از سرزمین خود اجازه دادیم که نقل و انتقال و ترانزیت کالا بین جمهوری آذربایجان و نخجوان انجام شود. در دولت مرحوم شهید رئیسی، از سوی شهید امیرعبداللهیان هم تلاش‌های مستمری شکل گرفت و یک ابتکار مطرح شد. یک کریدور جایگزین با استفاده از موقعیت سرزمینی ایران پیشنهاد شد و قراردادهای آن از طرف وزارت راه هم امضا شد. پس باز هم می‌گویم که پرونده کریدور زنگزور بسته است، اما اگر اردوغان،

علی‌اف یا هرکس دیگری یک برنامه و پروژه دیگری دارد و سعی داشته باشد موقعیت ژئوپلیتیکی، جغرافیای قفقاز و مرزها را تغییر دهد، قطعاً ایران در برابر آن خواهد ایستاد؛ این پرونده بسته شده است و باز نخواهد شد. باید آقای اردوغان شفاف این را اعلام کند که هیچ ایده‌ای دال بر پان‌ترکیسم نوعثمانی‌گری یا هر محبت امنیتی و ایدئولوژیکی در پس این زنگزور ندارد. دراین‌بین اجازه دهید تفکیکی بین جمهوری آذربایجان و ترکیه هم قائل شویم. الان ترکیه پتانسیل مطرح‌کردن کریدور زنگزور را دارد، نه جمهوری آذربایجان. بعد از سفر دکتر پزشکیان به باکو و دیدارهایی که با الهام علی‌اف انجام شد، الان جمهوری آذربایجان به دنبال مدیریت روابط با تهران است. عامل حمله در سفارت جمهوری آذربایجان هم اعلام شد و تقریباً هیچ‌گونه فاکتور مخل یا تنش‌زایی در روابط دو طرف وجود ندارد و طرف آذری الان به دنبال تنش‌زایی نیست. اما ترکیه سعی می‌کند از ظرفیت و پتانسیل خود برای پیش‌کشیدن برخی موضوعات که تأکید می‌کنم پرونده آن بسته شده است، استفاده یا بهتر بگویم سوءاستفاده کند.

✚ به هم‌زمانی این گفته‌های اردوغان با سفر پیش‌روی پزشکیان به ارمنستان اشاره شد، اما برای سؤال آخر روی هم‌زمانی این ادعاها با رزمایش اخیر ارتش و سپاه در منطقه ارس تمرکز کنیم. این تلاقی را چگونه می‌بینید؟ آیا آنکارا و باکو نگران امنیتی‌شدن منطقه هستند؟

من می‌خواهم در پاسخ به این پرسش شما به نقد سؤال اول‌تان بپردازم که در میان بحث‌ها و سؤالات فراوان‌تان فراموش شد به آن ورود کنم. اگرچه من همیشه از مشی معتدل، میانه و دیپلماتیک درباره مباحث سیاست خارجی به‌ویژه سیاست خارجی منطقه‌ای با تمرکز بر روابط با همسایگان که از حساسیت بسیار زیادی برخوردار است، دفاع کرده و می‌کنم و نگاه‌های افراطی و تفریطی را در این‌گونه مباحث به‌ویژه حوزه حساس و شکننده‌ای مانند قفقاز جایز نمی‌دانم، اما هم‌زمان باید این را هم مد نظر قرار داد که این مشی دیپلماتیک من به معنای چشم‌پوشی یا نادیده‌گرفتن بسیاری از معادلات نیست و قطعاً جمهوری اسلامی ایران و تمام ارکان و قوای نظامی و امنیتی کشور هم به این معادلات در منطقه اشراق و آگاهی لازم را دارد و می‌داند چه اتفاقاتی در قفقاز در حال شکل‌گیری است. پس قطعاً ایران به دنبال امنیتی‌کردن و پلیسی‌کردن هیچ منطقه‌ای نیست و سیاست خارجی و دیپلماسی ایران با همسایگان بر مبنای اعتماد، حسن هم‌جواری و تقویت همکاری‌های دو جانبه است. چون فقط این مسیر است که می‌تواند به صلح و ثبات پایدار برای همه طرف‌ها منجر شود. هرگونه تنش، درگیری و ناامنی و برخی ادعاهای مخرب، صلح و ثبات همه همسایگان را درگیر می‌کند. تا همین لحظه که من با شما گفت‌وگو می‌کنم، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران واکنشی به گفته‌های اردوغان نداشته است. یعنی تهران با هوشمندی در زمین ترکیه بازی نمی‌کند؛ اما این به معنای آن نیست که طرف مقابل دچار سوءحساسیه و سوءبرداشت شود. همین دست رزمایش‌های مشترک ارتش و سپاه در منطقه ارس با هر دو طرف، یعنی جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان، سیاست خارجی متوازن، منطقی و توام با احترام متقابل جمهوری اسلامی ایران را درباره همسایگان به‌خوبی روشن می‌کند.

✚ سوبرداشت و سوءحساسیه از این بالاتر که اردوغان عملاً با مانور روی مبحث «نوروز»، حتی ژئوپلیتیک و جغرافیای «نوروز» را هم از تهران گرفته و به نام خودش رده‌است؟ فراموش نکنیم نشست اول فروردین‌ماه امسال اردوغان در استانبول را...

موضوع نوروز چیزی نیست که اردوغان بتواند با یک نشست با یک همایش آن را به نام خود کند؛ تاریخ نوروز و خاستگاه آن کالا مششخص است و این موضوع به نام ایران ثبت شده است. البته من متذکر آن‌همین تحریک‌آمیز برخی همسایگان نیستم. به همین دلیل است که معتقدم نگاه منطقی، میانی و دیپلماتیک بهتر از برخورد‌های افراطی و تفریطی است و این فقط محدود به ایران نیست. باید همه کشورها و همه طرف‌ها از دست‌زدن به برخی موضع‌گیری‌ها، اقدامات و اتخاذ تصمیمات تنش‌زا که می‌تواند تبعات منطقه‌ای را به دنبال داشته باشد، خودداری کنند. باید همه در مسیر احترام متقابل، تقویت مناسبات چندجانبه و سیاست حسن هم‌جواری گام بردارند.

گزارش

نکاهی به روایت رسانه‌های غربی از گزارش جامع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تهدید دیپلماسی هسته‌ای ایران ابزاری سیاسی به نام آژانس مهدی سازگان؛ در آستانه نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از ۱۹ خرداد ۱۴۰۴ (۹ ژوئن ۲۰۲۵) برگزار می‌شود، انتشار گزارش مجرمانه این نهاد درباره برنامه هسته‌ای ایران که توسط خبرگزاری‌های فرانسه، رویترز و لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت ژورنال، پوشش داده شده، بار دیگر تهران را در کانون توجهات جهانی قرار داده است. این گزارش، با تمرکز بر افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده تا ۶۰ درصد و اتهامات مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای اعلام‌نشده در سه سایت، فشارهای سیاسی علیه ایران را شدت بخشیده است. در حالی که ایران بر صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای خود تأکید دارد و تحت نظارت گسترده آژانس فعالیت می‌کند، تحکرات غرب برای محکومیت ایران در شورای حکام و تهدید شدت بخشیده است. در حالی که ایران در معرض خطر قرار داده است، با توجه به جزئیات گزارش آژانس و واکنش‌ها به نظر می‌رسد این فشارها بخشی از تلاش هماهنگ غرب برای تضعیف دیپلماسی و حفظ سیاست فشار حداکثری است.

گزارش آژانس؛ اتهامات تکراری در پوشش فنی

گزارش مجرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به نقل از خبرگزاری فرانسه منتشر شده، مدعی است ایران تولید اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد و تسریع و ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ (۱۷ می ۲۰۲۵)، ۴۰۸۶ کیلوگرم از این ماده را ذخیره کرده است. این میزان، افزایش ۱۳۳۰۸ کیلوگرمی نسبت به گزارش فوریه ۲۰۲۵ (۲۴۸ کیلوگرم) را نشان می‌دهد. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، این اقدام را «بسیار نگران‌کننده» خوانده و ایران را «تنها کشور غیرهسته‌ای» با چنین سطح غنی‌سازی معرفی کرده است. گروسی همچنین خواستار «همکاری کامل و مؤثر» ایران شده و ادعا کرده بدون این همکاری، آژانس نمی‌تواند صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران را تضمین کند. خبرگزاری رویترز هم با استناد به گزارش آژانس، مدعی شده ایران در سه سایت لویزان-شیان، ورامین و تورقوزآباد، فعالیت‌های هسته‌ای اعلام‌نشده‌ای با مواد هسته‌ای داشته که بخشی از یک «برنامه ساختارمند» تا اوایل دهه ۲۰۰۰ بوده است. این گزارش که به درخواست شورای حکام در نوامبر ۲۰۲۴ تهیه شده، ادعا می‌کند ایران پاسخ‌های فنی معتبری درباره مواد هسته‌ای در این سایت‌ها ارائه نکرده و ممکن است «مواد هسته‌ای ناشناخته یا تجهیزات لوده» را بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ در سایتی در تهران نگهداری و سپس منتقل کرده باشد. همچنین بنا بر گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، در گزارش مجرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که دیروز (شنبه) منتشر شد، ادعا شده است ایران ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را در سطوح بالا افزایش داده و از تهران خواسته شده فوراً مسیر خود را تغییر دهد و با تحقیقات آژانس همکاری کند. لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت ژورنال نیز گزارش جامع آژانس را «بدتر از حد انتظار» توصیف کرده و مدعی شده سرعت انباشت اورانیوم غنی‌شده ۶۰درصدی ایران معادل سوخت مورد نیاز برای ساخت «حدالک یا سلاح هسته‌ای» در هر ماه» است. او ادعا می‌کند ایران با این ذخایر، سوخت کافی برای ساخت «تقریباً ۱۰ بمب هسته‌ای» دارد، در حالی که در گزارش فوریه، این رقم «بیش از شش بمب» بود. نورمن همچنین به عدم پیشرفت در مسائل بدنامی اشاره کرده و مدعی است ایران تا اوایل دهه ۲۰۰۰ یک «برنامه هسته‌ای ساختار یافته» داشته و پاسخ‌های شفاف‌ی درباره مواد هسته‌ای در سایت‌های مذکور ارائه نکرده است. او نقل‌قول‌هایی از گزارش آژانس آورده که بر «خطر انحراف مواد هسته‌ای اعلام‌شده» تأکید دارد و می‌گوید آژانس نمی‌تواند تأیید کند مواد هسته‌ای در این سایت‌ها «مصرف شده» یا مواد اعلام‌شده مخلوط شده یا همچنان خارج از نظام پادمان باقی مانده‌اند». این اتهامات در حالی مطرح می‌شوند که ایران بارها تأکید کرده برنامه هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است و تحت نظارت گسترده آژانس قرار دارد.